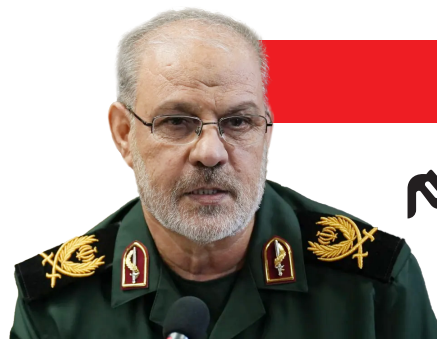


آمریکا یک شناور جنگی هم در خلیج فارس ندارد



هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و پنجم | شماره ۱۲۴۹ | دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵ | ۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ | ۱۷ آگوست ۲۰۲۶ | ۸ صفحه | نسخه الکترونیکی

مصطفی قربانی



درس بزرگ کودتای ۲۸ مرداد

نوید کمالی



مسئله زاویه دید



آرش فهیم
ابر قدرت در جعبه گوجه‌فرنگی!

سردار جوانی در گفت و گوی ویژه خبری
رویکرد تحولی نیروهای مسلح کشورمان در برابر دشمنان را تشریح کرد

دفاع تهاجمی

شکست ابهت آمریکا
در جهان

ایران زیر بار
حرف زور نمی‌رود



| نیم نگاه |

سرگردان در دریا



رضا صارمی‌راد

کارشناس مسائل بین‌الملل

ناوهوایمابر «یواس اس آبراهام لینکلن» برای ماه‌ها در دریا سرگردان است؛ این ناو که از کلاس نیمیتز، در نوامبر سال گذشته از سن دیگو کالیفرنیا، سفر خود را برای مأموریتی در ونزوئلا آغاز کرد. پس از عملیات «دزدیدن مادورو» باید به خانه برمی‌گشت، اما مقامات آمریکایی ناو را برای مستقر شدن در منطقه عملیاتی سنتکام، یعنی غرب آسیا اعزام کردند. طبق روال، قرار بود که مأموریت لینکلن در ماه می به پایان برسد؛ اما حمله نامشروع آمریکا و رژیم صهیونی به ایران، پایان مأموریت این ناو را تا مدت زمان نامعلومی به تعویق انداخت. حالا این ابرکشتی با حدود ۵ هزار خدمه و تکندار، بیش از ۲۶۶ روز است که به ساحل نرسیده است. اکنون خانواده‌های سربازان پیام‌های نگران‌کننده‌ای از عزیزان خود دریافت کرده‌اند. بر اساس گزارش «اماس ناو» که با خانواده‌های زیادی از اعضای لینکلن مصاحبه کرده است، حمام و دوش گرفتن به دلیل کپک‌زدگی با اشکال جدی رویه‌روست و اقام بهداشتی در کشتی نایاب شده است. بر نامه غذایی سربازان تغییر جدی کرده است. خانواده‌های گویند سربازان مجبور هستند شیف‌های طولانی را با استراحت بسیار محدود بعهده بگیرند. گزارش‌ها حاکی از آن است که وضعیت روانی خدمه بسیار بد است. به گزارش «نیوی تایمز» و «استارز اند استریپس»، چندین مورد اقدام به خودکشی در کشتی به وقوع پیوسته است اما ترامپ و هگست هیچ‌یک از این اخبار را نمی‌پذیرند. دموکرات‌های کنگره نیز این مسئله را به اهرم فشاری بر ترامپ تبدیل کردند. ریچارد بلومنتال، سناتور ایالت کنتیکت و عضو کمیته نظامی سنا، در نامه‌ای به هگست و هانگ کانو، وزیر دریانوردی، خواستار توضیح رسمی درباره وضعیت لینکلن شد. او همچنین ذکر کرد، مسئله لینکلن تنها مورد نیست؛ ناو‌فورد نیز در چند ماه پیش از لینکلن، ۳۲۶ روز در حال عملیات بود که در نهایت به دلیل نقص و آتش‌سوزی در رختشوی خانه مجبور به بازگشت شد.

یکی از دلایل عمده نرسیدن مایحتاج به کشتی، خسارت‌های شدیدی است که ایران توانست در جنگ به زیرساخت‌های دریایی آمریکا در منطقه وارد کند، از جمله پایگاه پنجم نیروی دریایی در بحرین که به گفته کارشناسان، عملاً از دسترس خارج شده است. در چنین وضعیتی، تنها گزینه باقیمانده برای آمریکا، جایگزینی لینکلن با یک کشتی دیگر است. اخبار حاکی از آن است که ناو هوایمابر «یواس اس جرج واشنگتن»، در حال ترک بندر دانانگ در ویتنام برای آمدن به خاورمیانه است.

این تصمیم نیز بدون عواقب نیست. ناو جرج واشنگتن تنها کشتی کلاس هوایمابر در غرب اقیانوس آرام است؛ کشتی‌ای که قرار بود به منزله یک دارایی استراتژیک برای کنترل چین نقش ایفا کند. این مسئله می‌تواند متحدان آمریکا در جنوب شرق آسیا، مانند اندونزی، فیلیپین و ژاپن را درباره آینده نگران کند، زیرا بدون وجود ناو واشنگتن، توازن بین نیروی دریایی چین و آمریکا تا حد زیادی به نفع پکن تغییر می‌کند.



مصطفی قربانی

دکترای علوم سیاسی

در سال‌های ملی شدن صنعت نفت ایران، آمریکا نقش‌های سه‌گانه‌ای ایفا کرد؛ آنگاه که بحث رقابت آمریکا با انگلیس در میان بود و این کشور درصدد بود تا از نفت ایران سهمی برای خود دست و پا کند، از ملی کردن صنعت نفت ایران حمایت کرد. با پیروزی نهضت نفت، آمریکا در نقش میانجی‌گری میان ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس ظاهر شد و کوشید تا با برقراری مذاکراتی میان طرفین و ارسال هیئت‌هایی به ایران و مذاکره با رهبران نهضت در ایران، قضیه نفت را فاصله دهد، اما بعد از آنکه میانجی‌گری‌های آمریکان نتیجه نداد، آمریکا برانداز نهضت ملی شد. یکی از دلایل نپذیرفتن پیشنهادهای هیئت‌های آمریکایی برای حل اختلافات میان ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس، نپذیرفتن و لحاظ نکردن قانون ملی کردن نفت در پیشنهادات آنها بود. یک نکته مهم در این کودتا، روش اجرای آن بود. درواقع، طرح آنها برای کودتا مبتنی بر القای یأس، ناامیدی و بی‌تفاوتی در کشور و

همزمان به صحنه آوردن مخالفان مصدق و نهضت نفت و بهره‌گیری از گروه‌ها و دستجات ارادل و اوپاش مانند شعبان جعفری معروف به «شعبان بی‌مخ» بود. نکته جالب در اجرای کودتا این است که آنها با سم‌پاشی روانی—تبلیغاتی و القای ناامیدی از تداوم حکومت مصدق، به‌قدری شرایط را در ایران برای کودتا فراهم کرده بودند که از آن یک میلیون دلاری که سازمان سیا برای تدارک کودتا در ایران درنظرگرفته بود، تنها با هزینه حدود ۷۵ هزار دلارش توانستند نهضت ملی ایران را سرنگون کنند.

نکته جالب اینکه بعد از آنکه با دستور دکتر مصدق در شب ۲۵ مرداد، نصیری که حامل نامه عزل مصدق از نخست‌وزیری بود، دستگیر شد و موج اول کودتا خشی شد، مصدق خطاب به مردم، آنها را از خیابان به خانه فرستاد و تا سه روز بعد که کودتا انجام شد، نخبگان و نیروهای سیاسی اجتماعی مؤثر با فرورفتن در حالتی از بی‌تفاوتی و بی‌عملی زمینه را برای انجام کودتا با کمترین هزینه فراهم کردند. در این زمینه، غلامرضا نجاتی در کتاب «جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲» می‌نویسد:

«در آن سه روز سرنوشت‌ساز که آینده سیاسی

ایران تعیین می‌شد، مسئولان مملکت و رهبران احزاب سیاسی در انجام وظایف خطیری که به عهده داشتند، غفلت کردند و فرصت‌های گران‌بها از دست رفت. ... مردم تهران که چند بار توطئه‌هایی علیه نهضت ملی را با قیام خود و پشتیبانی از نهضت ملی خشی کرده بودند، صبح روز ۲۸ مرداد، بدون رهبر و فرمانده شاهد تردید و تزلزل رهبران نهضت ملی و خیانت و سهل‌انگاری چند تن از فرماندهان نظامی و رؤسای سازمان‌های انتظامی بودند. پیروزی سریع کودتاجیان در روز ۲۸ مرداد نه‌تنها برای ملت ایران، بلکه برای کرومیت روزولت و سردمداران کودتا باورکردنی نبود.»

با توجه به آنچه گفته شد، عبرت بزرگ کودتای ۲۸ مرداد که در تجربه‌های متعدد بعد از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته، همانا لزوم حضور مردم در صحنه و تداوم بسیج سیاسی مردمی برای مقابله با توطئه‌های باشد؛ واقعیتی که در خلال جنگ رمضان، در کنار انسجام سیاسی و دفاعی نظام، سبب حفظ کشور و شکست دشمن در تهاجم همه‌جانبه به ایران شد؛ موضوعی که در برهه کنونی نیز باید همچون گذشته مورد توجه قرار گیرد. درواقع، آمریکا تا بابت گسیختگی جامعه ایران به اطمینان نرسد، نمی‌تواند بابت غلبه بر ایران

اطمینان پیدا کند. به بیان دیگر، تا زمانی که نوعی بی‌تفاوتی و عدم‌احساس مسئولیت در قبال سرنوشت کشور در میان ایرانیان تقویت نشود که نتیجه آن، تضعیف انسجام ملی و افزایش ضریب آسیب‌پذیری کشور در برابر دشمن باشد، آمریکا نمی‌تواند بابت غلبه بر ایران آسوده‌خاطر باشد. بر این اساس، امروزه مهمترین رسالت همه نیروها و نخبگان سیاسی اجتماعی ایران آن است که فعالانه در برابر توطئه‌های دشمن و به حمایت از کشور و نظام، اعلام موضع کنند؛ زیرا تجربه‌های متعددی در تاریخ معاصر نشان می‌دهد که رخداد تحولات ناخواسته مانند کودتا، براندازی، حمله خارجی و... در ایران همواره در سایه بی‌تفاوتی عمومی و نخبگانی در قبال سرنوشت کشور رخ داده است.

با توجه به آنچه گفته شد، شرط اساسی مواجهه قدرتمندانه با دشمنانی که اکنون با متراکمسازی فشارها و تهدیدها در میدانهای اقتصادی، نظامی و رسانهای به تهدید ایران و ایرانیان می‌پردازند، آن است که علاوه بر حفظ و ارتقای قابلیت‌های دفاع نامتقارن، ظرفیتهای مردمی و نخبگانی هم به میدان بیاید و با نمایش وحدت و انسجام ملی، به دشمن سیلی زده شود.

ترامپ جیب آمریکایی‌ها را زد!

بهنام علیپور

خبرنگار

درحالی که مالیات‌دهندگان آمریکایی هزینه بلندپروازی‌های تانیا‌هو را می‌پردازند، ترامپ و خانواده‌اش به بهانه جنگ، جیب مردم آمریکا را زده و به توسعه کسب و کار جدید مشغول هستند.

«پیت بودجج» وزیر ترابری سابق آمریکا روز شنبه (۳ تیر ۱۴۰۵) در مصاحبه با «فاکس نیوز» به سیاست‌های نظامی ترامپ تاخت و گفت: «پول مالیات‌ما به جنگی بی‌نتیجه می‌رود که در بهترین حالت و سناریو، وضعیت ما را بدتر از قبل خواهد کرد.» در مقابل، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور تاجرپیشه ایالات متحده و نزدیکانش به بهانه جنگ با ایران بیش از ۲/۶ میلیارد دلار از پول مالیاتی که آمریکایی‌های می‌دهند به جیب زدند که از چشم رسانه‌های آمریکایی دور نماند.

تحقیقات روزنامه آمریکایی «واشنگتن پست» نشان می‌دهد، «دونالد ترامپ جونیر» و «اریک ترامپ» از سال ۲۰۲۳ مشغول سرمایه‌گذاری در حوزه پهپاد، هوش مصنوعی، رباتیک و فناوری‌های دفاعی هستند؛ سرمایه‌گذاری که همزمان با تغییر اولویت‌های نظامی ترامپ، میلیارد‌ها دلار به حساب خانواده تاجرپیشه سرازیر کرد.

بر اساس تحقیقات به عمل آمده، فرزندان ترامپ حداقل در ۱۵ شرکت تأسیسات دفاعی سهام دارند که پنتاگون موظف به خرید تسلیحات و خدمات از آن شرکت‌ها شده است؛ نیروی هوایی ایالات متحده نیز مدتی است وادار به خرید تعداد نامشخصی پهپاد رهگیر از شرکت «پاوروس» شده، شرکتی مستقر در «فلوریدا» که بخشی از سهام آن متعلق به دونالد ترامپ جونیر و اریک ترامپ است.

«ریچارد پینتر»، وکیل ارشد اسبق کاخ سفید و مسئول دفتر اخلاق اینس کاخ در دوران

«جورج دبلیو بوش» با انتقاد از این وضعیت، گفت: «کشور تحت فشار زیادی برای خرید از پسران رئیس‌جمهور است، این اولین خانواده یک رئیس‌جمهور خواهد بود که از جنگ پول زیادی به‌دست می‌آورد؛ جنگی که او رضایت کنگره را برای آن دریافت نکرده است.»

ثروت‌اندوزی خانواده ترامپ درحالی است که «هری ترومن» سی‌وسومین رئیس‌جمهور آمریکا حتی در دوران بازنشستگی‌اش اجازه نداد هیچ کسب و کاری از نام او برند بسازد. «جورج دبلیو بوش» نیز قبل از تصدی ریاست‌جمهوری، سهام شخصی خود را واگذار کرد؛ پرهیز از ثروت‌اندوزی حین تصدی منسب ریاست‌جمهوری یا حفظ ظاهر در این خصوص یک روال همیشگی است که خانواده ترامپ آن را زیر پا گذاشته و نسبت به آن متعهد نیستند.

مدیرعامل «لاکهد مارتین»: برای فروش تسلیحات نیاز به «ترامپ» و «جنگ» داریم. اندیشکده آمریکایی «کوپینسی» در گزارشی با عنوان «پنج نمونه شرم‌آور از فرصت‌طلبی و کاسبی از جنگ علیه ایران» نوشت: هم‌زمان با تهدید آتش‌بس شکننده میان ایران و آمریکا بر سر تنگه هرمز، بسیاری در آمریکا به‌دنبال سود بردن از جنگ هستند؛ «جیم تایلکت»، مدیرعامل شرکت تسلیحاتی «لاکهد مارتین» ترامپ و دولت او را تحسین و ستایش می‌کند که «فرصت طلایی» برای صنعت جنگ‌افزار فراهم کرده است.

بر اساس گزارش اندیشکده آمریکایی، تایلکت به صراحت اشاره کرد که برای فروش تسلیحات و حفظ چرخه مالی نیاز به «جنگ» بود و ترامپ این فرصت را فراهم کرد.

برنی سندرز: جنگ با ایران بر پایه یک دروغ آغاز شد

«برنی سندرز» سناتور ایالت «ورمانت»

چندی پیش با انتقاد از جنگ‌افروزی ترامپ، گفت: «ادعایی که برای توجیه جنگ علیه ایران مطرح شد، مبنی بر اینکه تهران در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای است و قصد حمله به آمریکا را دارد، حقیقت نداشته و این جنگ بر پایه یک دروغ شکل گرفت.»

♦ **جانسون: ترامپ می‌داند که جنگ با ایران پیامدهای اقتصادی دارد**

«مایک جانسون» رئیس مجلس نمایندگان ایالات متحده نیز با انتقاد از سیاست نظامی ترامپ که اقتصاد آمریکا را با عواقب بسیار رویه‌ور کرده است، اظهار داشت: «دونالد ترامپ به پیامدهای اقتصادی درگیری در ایران برای شهروندان آمریکایی اذعان دارد و آن را درک می‌کند.»

نمایندگان آمریکایی به عواقب اقتصادی جنگ می‌اندیشند و خواهان توقف نبرد هستند؛ اما ترامپ و خانواده او بر آتش جنگ می‌دمند تا ثروت بیشتر کسب کنند.

پر کردن کیسه با نوسان‌گیری بازار

درحالی که نمایندگان سنا به عملکرد ترامپ انتقاد دارند و خواهان پایان جنگ هستند؛ افشای گزارش مالی ترامپ نشان می‌دهد، او به کمک پیام‌های ضد و نقیض در «تروث سوشال» و ایجاد نوسان در بازار، سرمایه بسیاری به دست آورده است.

دفتر اخلاق دولتی آمریکا به تازگی فرم‌های افشای مالی سالانه را از ترامپ و معاون رئیس‌جمهورش، «جی‌دی ونس»، منتشر کرد؛ بر اساس گزارش این دفتر، یک سند ۹۲۷ صفحه‌ای تمام‌دارایی‌ها و درآمد گزارش‌شده ترامپ برای سال ۲۰۲۵ را به تفکیک شرح می‌دهد که شامل بیش از ۱/۴ میلیارد دلار از سرمایه‌گذاری‌های ارز دیجیتال خانواده‌اش می‌شود؛ سرمایه‌گذاری که متأثر از اخبار جنگ یا صلح، افزون یا کم

می‌شود.

گزارش‌ها حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری روی دارایی‌های دیجیتال یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های درآمد ترامپ را تشکیل می‌دهد و در حال پیشی گرفتن از امپراتوری املاک و مستغلات است که ترامپ از پدرش به ارث برد؛ به عبارتی مشروح، ترامپ با انتشار پیام‌های متناقض از جنگ و صلح موجب «سقوط» یا «صعود» سهام و ارز دیجیتال می‌شود؛ از این رو به کمک ثروت سوشال بازار را در دست گرفته است.

♦ تروث سوشال و درآمدزایی

تأثیر تروث سوشال بر افزایش یا کاهش سهام و نرخ ارز دیجیتال موجب شد تا شرکت مالک شبکه اجتماعی تروث سوشال که سهامدار اصلی خانواده ترامپ است، در ازای صدهزار دلار، امکان دسترسی مشتریان را به محتوای پست‌های ترامپ، در یک بازه کوتاه قبل از انتشار عمومی، فراهم می‌کند!

در همین زمینه، وبگاه آمریکایی «The Intercept» به طعنه نوشت: با قیمت فوق‌العاده پایین فقط ۱۰۰/۰۰۰ دلار در ماه، تروث سوشال همیشه متناقض‌نما، اکنون دسترسی مستقیم به مهم‌ترین پست‌های خود – یا به‌قول خودشان، «حقایق» – را به وال‌استریت می‌فروشد. این یک مسیر سریع‌السير برای دستیابی به اظهارات و داده‌های رئیس‌جمهور ایالات متحده و سایر مقامات دولتی است، پیش از آنکه ما مردم عادی «سطح پایین» به آن برسیم؛ اظهاراتی که ظرفیت قابل‌توجهی برای حرکت دادن بازارهای مالی دارند در اختیار افراد ثروتمند قرار می‌گیرد.

درحالی که آمریکایی‌ها زیر بار مالیات کمر خم کرده‌اند و هر روز بهای بیشتری برای بنزین می‌پردازند، ترامپ به بهانه جنگ، مشغول ساخت امپراتوری خانوادگی است؛ امپراتوری‌ای که با جنگ توسعه می‌یابد.

من را که می‌شناسید، من محمود طالقانی‌ام!

برشی از زندگینامه و خاطرات رهبر شهید انقلاب اسلامی- ۱۸

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ



از جمله شخصیت‌های شناخته شده در مبارزه که نزد فعالان سیاسی آن دوران چهره موجه و معتبری بود، «آیت‌الله سیدمحمود طالقانی» است. آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با ایشان نیز روابط دوستانه نزدیکی داشته و اولین بار در سال ۱۳۴۳ در ماجرای دادگاه ایشان حاضر بوده و با یکدیگر ملاقات داشته‌اند. آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای ماجرای حضور در دادگاه طالقانی را اینگونه شرح می‌دهند:

«من دادگاه تجدید نظر ایشان، توی دادگاه بودم. یک صورت ظاهری درست کرده بودند که هر کس می‌خواهد بباید. یک سالن کوچکی گذاشته بودند آقای طالقانی و دیگران نشسته بودند، ما هم آمدیم به عنوان تماشاچی آنجا نشستیم. در وقت تنفس، من اول‌بار آنجا آقای طالقانی را از نزدیک دیدم. از دور ایشان را می‌شناختم و اسمش را شنیده بودیم اما از نزدیک، من اول‌بار آنجا ایشان را دیدم. منش آقای طالقانی توی این دادگاه اصلاً روحیه‌بخش بود؛ خود منش ایشان. ایشان توی آن دادگاه نشسته بود، یک عصا هم دستش گرفته بود، با بی‌اعتنایی تمام؛ رئیس دادگاه اسم متهمین را می‌آورد که بلند شوند خودشان را معرفی کنند؛ ایشان نه بلند شد، نه خودش را معرفی کرد؛ همان طور نشسته بود! آن رئیس دادگاه هم یک سرلشکری بود، هی دوبار سه بار تکرار کرد؛ ایشان هم بی‌اعتنا نشسته بود و به نظرم شاید این را هم گفت: خب من را که می‌شناسید، من محمود طالقانی‌ام! یک آدم اینجوری ای بود، یعنی آدم مبارز، متکی به نفس، دارای اعتماد به نفس، متکی به خدا.»

در طول سالیان متمادی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در ارتباط با آیت‌الله طالقانی است و معمولاً با حضور در تهران به دیدار وی رفته و نشست و برخاست داشته است. خود ایشان نقل می‌کنند: «ما با ایشان جلسات طولانی [داشتیم]؛ بنده هر وقت تهران می‌آمدم-آن وقت‌هایی که ایشان از زندان آمده بودند بیرون- منزل ایشان حتماً یک بار، دوبار می‌رفتم، می‌نشستیم دو ساعت

با ایشان صحبت می‌کردیم؛ آدم لذّت می‌برد از صفا و صداقت این مرد؛ این یکی از خصوصیات ایشان بود.»

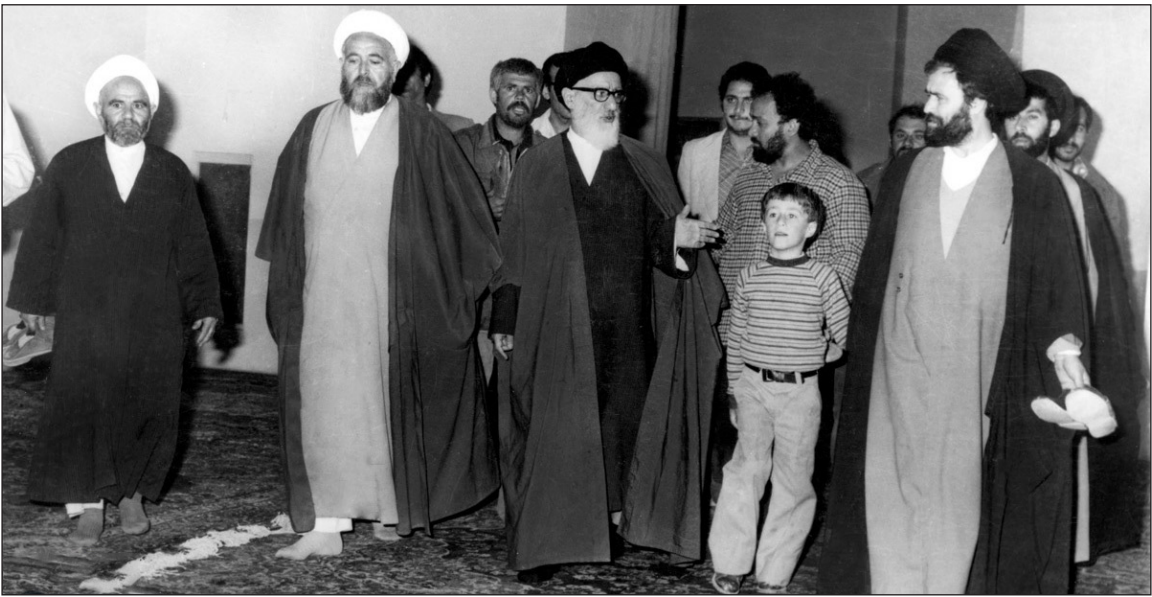
در دورانی که طالقانی در زندان نیز بود تا حدودی این رابطه حفظ شد. البته سیدعلی خامنه‌ای هیچ‌وقت با ایشان هم‌زندان نبوده است، اما نقل می‌کند: «گاهی از مشهد که من می‌آمدم، روزهای ملاقات می‌رفتم زندان قصر-از پشت میله‌ای صحبت می‌کردند؛ دانم روحیه می‌دادند.»

آیت‌الله طالقانی نیز در مراجعت به مشهد، یکی از مکان‌هایی که برای توقف انتخاب می‌کرد، منزل آقای خامنه‌ای بود. برای نمونه، در یکی از سفرهای مخفیانه آقای طالقانی در ۲۸ آبان ۱۳۵۲ به مشهد آمد و مهمان ایشان بود. سفری که در اواخر اسفندماه همان سال تکرار شد. مهدی طالقانی، فرزند مرحوم آیت‌الله طالقانی درباره روابط آیت‌الله خامنه‌ای و پدر می‌گوید: «من یادم است که یک بار که ایشان از تبعید ایرانشهر آمده بودند تهران، ظهر ناهار که آب گوشت هم داشتیم، خدمت ایشان خوردیم با مثلاً وقتی شورای انقلاب که تشکیل جلسه می‌داد، جای ثابت نداشت. اکثراً در منزل ما در خیابان ایران یا شهید مطهری جلسات شورای انقلاب برگزار

می‌شد. همواره من آقای طالقانی را می‌رساندم. یک بار که مرحوم پدر از جلسه شورای انقلاب برگشت، رویه من کرد و گفت: این سید (آیت‌الله خامنه‌ای) خیلی خوش‌فکر است و افکار خوبی دارد.»

شخصیت ممتاز آیت‌الله طالقانی همواره مورد توجه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای قرار داشت. ایشان در شرح فضایل شخصیتی مرحوم طالقانی می‌فرمایند: «ایشان واقعاً مؤمن بود. آن‌وقت همین ایشان، در مقابل امام تواضع می‌کردند. من تواضع ایشان را در مقابل امام دیدم، هم در غیاب امام، هم در حضور امام. در غیاب امام ایشان به بنده گفتند که آقای خمینی گاهی یک حرف‌هایی می‌زند که به نظر آدم نشدنی می‌آید، بعد می‌بینم واقعاً شد، ایشان به یک‌جایی متصل است! یعنی برداشت آقای طالقانی این بود- به این مضمون، حالا عین عبارت ایشان یادم نیست- می‌گفت از یک‌جایی به ایشان خبر می‌رسد، به یک‌جایی ایشان متصل است. در حضور امام هم من دیده بودم، ایشان کمال تواضع را در مقابل امام می‌کردند؛ این آدمی که آن جاه و جلال آن دستگاه‌ها برایش صفر بود و هیچ نبود، در مقابل امام تواضع می‌کرد.»

شخصیت آگاه به زمان او نیز ممتاز بود و نوعی



فرهихتگی و روشنفکری از او الگویی برای جوانان ساخته بود که در گرد او جمع می‌آمدند. آقای خامنه‌ای در وصف این ویژگی طالقانی می‌گویند: «آقای طالقانی اهل فکر نو بر محور دین و با تمرکز بیشتر بر روی قرآن و نهج‌البلاغه [بود]؛ یعنی ایشان اصلاً اینجوری بود. لکن همه ابعاد شخصیت آقای طالقانی بعد روشنفکری دینی نیست. یک بُعد مهم بُعد مبارزه‌است. خیلی هاروشنفکر بودند اهل مبارزه نبودند؛ روشنفکر دینی هم بودند اهل مبارزه نبودند؛ همان خصلت عمومی تقریباً [همه] روشنفکران دیروز و شاید بعضاً امروز ما در آنها هم بود که من یک وقت از یک نمایشنامه‌ای نقل کردم آقای روی ایوان [را]! که پایین نمی‌آید توی مردم نمی‌آید با متن قضیه کار ندارد با میدان کار ندارد، بالای ایوان می‌نشیند تماشا می‌کند حرف می‌زند! خب خیلی از روشنفکرهای دینی اینجوری بودند [اما] آقای طالقانی نه، اهل عمل بود؛ یعنی توی میدان بود، احساس درد می‌کرد حقیقتاً؛ این را ما که با ایشان معاشر بودیم-رفت و آمد می‌کردیم- می‌دیدیم، محسوس بود در ایشان، واضح بود که آدمی اهل درد بود و می‌خواست مبارزه کند؛ لذا تبعات مبارزه را هم قبول کرد [و به] زندان افتاد.»

حافظه

غارت ونیز کوچک

نگاهی به حضور استعمارگران اروپایی در قاره آمریکا

«انکومیاندا» بومیان را به بردگی کشاند و آنان را در معادن طلا و مزارع تبتاکو به کار اجباری واداشت. بیماری‌های وارداتی مانند آبله و سرخک، جمعیت بومی را از حدود یک میلیون نفر به کمتر از صد هزار نفر کاهش داد. کلیسا نیز با سوزاندن کتاب‌های خطی و نابودی معابد، هویت روحانی آنان را هدف گرفت. غارت مرورایدها و چوب‌های کمیاب، ثروت این سرزمین را برای همیشه به اروپا منتقل کرد و هیچ زیرساختی برای بومیان باقی نگذاشت.

از اوایل قرن نوزدهم، مبارزات استقلال‌طلبانه مردم ونزولا آغاز شد، اما به شکست انجامید. با این حال در سال‌های بعد، سیمون بولیوار، آزادی‌خواه معروف آمریکای جنوبی، مبارزاتش را ادامه داد و در پنج ژوئیه ۱۸۱۱، استقلال ونزولا را اعلام کرد؛ اما وی به دست سلطنت‌طلبان که مخالف استقلال ونزولا بودند، دستگیر شد. سرانجام بر اثر تلاش‌های بولیوار و جنگ‌های متعدد وی، مقاومت‌سربازان اسپانیایی در فوریه ۱۸۱۹، در هم شکسته شد و بولیوار به ریاست‌جمهوری ونزولا رسید. اما استقلال سیاسی، پایان جنایات نبود؛ ساختارهای استعماری در قالب مالکیت بزرگ زمین ادامه یافت و نخبگان کریول، بومیان و آفریقایی‌تباران را از حقوق اولیه محروم کردند.

«ونزولا» کشوری در شمال آمریکای جنوبی و پایتخت آن «کاراکاس» است. ونزولا، در زبان لاتین به معنای ونیز کوچک است. کریستف کلمب، وقتی در سال ۱۴۹۸، به کرانه‌های شرقی این کشور رسید، مجذوب چشم‌انداز منطقه شد و آن را سرزمین زیبایی نامید و این لقب را برای آن برگزید که از آن زمان تاکنون لقب این کشور است. ونزولا، برای اولین بار در سال ۱۵۲۲، مستعمره اسپانیا شد. اولین محل استقرار دائمی امپراتوری اسپانیا در آمریکای جنوبی، در منطقه‌ای بود که امروزه «کومانا» نامیده می‌شود. «لوئه د آگویره» از سرداران خون‌خوار اسپانیایی، یکی از بزرگ‌ترین نابودکنندگان فرهنگ‌های بومیان، به شرق ونزولا لشکر کشید و چنان آثاری از جنایت و ویرانی از خود باقی گذارد که هنوز نام او مترادف با کلیه شرارت‌های دوران فتوحات است. او به طور واضحی جنون داشت؛ به گونه‌ای که در نهایت همسر و نزدیکان و تنها دختر خود را کشت.

می‌توان تصور کرد که شاید اشتیاق کلیه این فاتحان وحشی به خون‌ریزی، نشانه خط دفاعی آنان بود. قوم بزرگ سرزمین کاریبه در ونزولا، که به نحوی بی‌امان از خاک و آزادی خود دفاع کردند، به دست چنین افرادی از دم تیغ گذشتند؛ اما جنایات اسپانیا تنها به کشتارهای آشکار محدود نمی‌شد؛ سیستم

۳

تاریخ

شماره ۱۲۴۹ | دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵

صداقت

تقویم انقلاب

شکست ابهت آمریکا در جهان

روایی‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران- ۱۶

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



در نیمه دوم سال ۱۳۴۳ دو رویداد مهم کمر آمریکایی‌ها را شکست: یکی تبعید امام خمینی (ره) به ترکیه و ترور انقلابی «حسنعلی منصور» نخست‌وزیر وقت حاکمیت رژیم شاهنشاهی در ایران. از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۰ همواره آمریکایی‌ها و سران رژیم شاه در ایران احساس امنیت نمی‌کردند و دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی، انگلیس و غیره به تکاؤ افتاده بودند تا با این تشکل‌های جدید مقابله کنند که برخی از آنها عبارت بودند از:

۱- تبعید امام خمینی (ره) در روز ۱۳ آبان ۱۳۴۲ به شهر بورسای ترکیه بازناب گسترده وسیعی داشت. طلاب جوان با بضاعت ضعیفی که داشتند از پای ننشستند و با چاپ نشریه‌ای به نام «بعثت» و «انتقام» مخفیانه محتوای افشاگرانه‌ای را نشر دادند. در جوانان بازار و دانشگاه روح جدید مبارزاتی دمیده شد و این جوان‌ها آنچنان خون‌شان به جوش آمده بود که در فاصله کوتاهی حسنعلی منصور، عامل تبعید امام (ره) را هدف گلوله قرار دادند و به مرگ کشاندند.

۲- تبعید امام و ترور حسنعلی منصور چنان وسیع و گسترده شد که ضریب آگاهی‌های سیاسی مردم را به چند برابر افزایش داد. افزون بر آن، گروه‌های کوچک مذهبی که از عمق تاریخی برخوردار بودند به سرعت با یکدیگر مر تبط شدند و زنجیره مبارزه در سراسر کشور به هم پیوند یافت؛ حتی جمعی از جوانان مارکسیست هم به این جریان پیوستند.

۳- توده‌های مردم از اقدام مسلحانه علیه رژیم حمایت می‌کردند؛ قتل منصور در اول بهمن ۱۳۴۳ به وسیله شاخه نظامی گروه مؤتلفه اسلامی، حمله مسلحانه به شاه در کاخ مرمر در فروردین ۱۳۴۴ یا تشکیل حزب ملل اسلامی با اهداف قیام مسلحانه که تصمیم داشتند کار شاه و آمریکا را در ایران یکسره کنند، رژیم را به وحشت انداخته بود.

۴- گروه‌هایی که ریشه و هویت‌شان وابسته به کشورهای کمونیستی به خصوص اتحاد جماهیر شوروی سابق بود و از آنجا تغذیه و تدارک می‌شدند، با زور تبلیغات و رسانه‌های‌شان تلاش می‌کردند که ابتکار عمل را به دست آورند. در کنار آنها تشکل دیگری مدعی اسلام‌گرایی بودند؛ مبنی بر تئوری «اسلام علم مبارزه ندارد و باید از مارکسیست آموخت» تا سال ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ به سازماندهی و آموزش پرداختند و در آستانه سال ۱۳۵۰ اقدام مبارزه مسلحانه‌دست زدند. اینها در همان بدو تأسیس و اقدام عملیاتی‌شان بازپچه دست ساواک شدند و راه به جایی نبردند. دستگاه ساواک بر این گروه‌ها به خوبی اشراق داشت و همه آنها را در سال ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ دستگیر کرد. بسیاری از آنها تن به سازش دادند و در کمترین زمان به عنوان عوامل ساواک عمل کردند. در واقع تمرکز و فشار روی یاران امام خمینی (ره) بود تا جایی که برخی از آنها در زیر شکنجه به شهادت رسیدند، مانند شهید آیت‌الله سفیدی که با کنسر سیوم خفت‌بار آمریکا مخالفت کرده بود. این سیاست ابهت آمریکایی‌ها را در جهان شکست.

قبلیه عشق

از نوکری امام حسین(ع)
ناشهادت

دوروز پیش از شهادت، همسرم گفته بود اداره بالایی ما را زده‌اند و احتمال دارد اداره ما را هم بزنند؛ بعد از ما حلالیت خواست. من به او گفتم خواب دیده‌ام اداره‌تان را زده‌اند و تو را به بیمارستان برده‌اند؛ از بالا تا پایین باندپیچی شده‌ای و فقط چشم‌هایت پیدا بود. در خواب به ایستگاه پرستاری می‌رفتم و آنها می‌گفتند آقای حسین مرادی زنده نمی‌ماند؛ اما من بالینش می‌رفتم و می‌گفتم: «حسین تو زنده می‌مانی! من در شهر غریب به جز تو کسی را ندارم و تو به خاطر من و بچه‌ها زنده می‌مانی.» او فقط با اشاره پلک‌هایش جوابم را می‌داد و ایسن رفت‌وآمد چند بار تکرار شد تا از خواب پریدم.

حاج حسین وقتی این خواب را شنید، با لبخند گفت: «هر چه خدا قسمت کند.» گفتم: حالا که احتمال می‌دهی اداره‌تان را بزنند، اجازه نمی‌دهم سرکار بروی. اما شهید در جوابم گفت: «هیچ وقت چنین حرفی نزن. من نروم، دیگری نرود، فردا دشمن در خاک‌مان می‌آید. آن وقت من باید تو و دختران‌مان را ببرم در زافه نگهداری کنم. حالا که فقط مشکل مملکت‌مان گرانی است، ولی آن وقت می‌بینی خاک‌مان هم امنیت ندارد. اشتباه نکن، من باید بروم.» او آگاهانه به استقبال شهادت رفت؛ چون می‌دانست محل کارش هدف خواهد بود، اما به وظیفه‌اش عمل کرد.

همسرم ارادت ویژه‌ای به اهل بیت(ع) و امام حسین(ع) داشت. هر سال هر جای تهران بود، به شهرستان می‌آمد و غذای ظهر عاشورا را در آشپزخانه مسجد شهرستان می‌پخت؛ دو روز تمام سرپا می‌ایستاد تا غذای میهمانان امام حسین(ع) آماده شود. خیلی وقت‌ها با دست‌وپای سوخته به خانه می‌آمد و حاضر نبود به درمانگاه برود. می‌گفت این سوختگی‌ها باید بماند تا امام حسین(ع) آن دنیا شفاعتم کند.

به نقل از همسر شهید حسین مرادی

شهید «حسین مرادی» از شهدای شهرستان طارم در جریان تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی است که در ماه رمضان و با لب تشنه، مظلومانه به شهادت رسید. شهیدی که همیشه می‌گفت اگر برای امام حسین(ع) قدمی بردارید، صدبرابرش را برمی‌گرداند. حسین مرادی در وصیتش گفته بود پیراهن مشکی‌اش را در خاک قبرش بگذارند. سرانجام پیکر حاج‌حسین طبق وصیتش در شهرستان شهیدپور طارم و در آرامستان روستای ارشت آرام گرفت.

سردار جوانی در گفت و گوی ویژه خبری
رویکرد تحولی نیروهای مسلح کشورمان در برای دشمنان را تشریح کرد

دفاع تنهاجمی



حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه

معاون سیاسی سپاه پاسداران گفت: آغازگر جنگ، دشمن بوده و اقدامات ایران جنبه تدافعی دارد، هرچند ممکن است در آینده جنبهٔ تهاجمی نیز پیدا کند.

سردار یدالله جوانی معاون سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در گفتگوی ویژه خبری با اشاره به پیشینه منصوبان جدید در نیروهای مسلح اظهار داشت: تمام این افراد از یادگاران دفاع مقدس و از بهترین سرمایه‌های ملت ما هستند که هر کدام آزمون پس داده‌اند، به‌ویژه در دوره‌ای که فرماندهان اصلی شهید شدند و این عزیزان در جایگاه جانشینی مسئولیت‌ها را بر عهده داشتند.

وی با اشاره به سوابق فرماندهان منصوب شده تصریح کرد: سرلشکر خلبان عبداللهی که فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء بود، در جایگاه جانشینی ستاد را به بهترین شکل اداره کرد. سردار وحیدی نیز که جانشین فرمانده کل سپاه بود، در این مدت در جایگاه فرماندهی عمل نمود. همچنین پس از شهادت شهید سنگسیری، سردار عظمایی به عنوان جانشین، مانند یک فرمانده حرکت را هدایت کرد و می‌توان گفت که به بهترین وجه عمل کردند.

سردار جوانی خاطر نشان کرد: هم ستاد کل و هم قرارگاه خاتم به بهترین وجه عمل کردند و ارتش نیز با

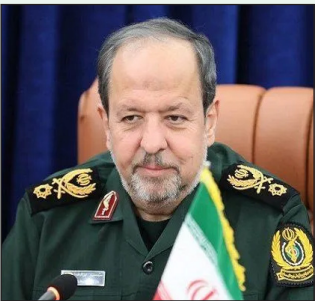
حضور امیر سرتیپ حیدری به عنوان جانشین سردار عبداللهی، نقش موثری ایفا کرد. همچنین سرلشکر ایزدی با ۴۵ سال مجاهدت، به عنوان جانشین فرمانده کل سپاه منصوب شد.

معاون سیاسی سپاه تأکید کرد: تمام کسانی که منصوب شدند، بهترین‌های نیروهای مسلح هستند؛ هر چند عزیزان توانمند دیگری نیز در مجموعه حضور دارند، اما این افراد در مدت مسئولیت خود، کار را به بهترین وجه پیش بردند که در متن احکام نیز به این موضوع اشاره شده است.

وی در پاسخ به سؤالی درباره تغییر رویکرد در انتصابات جدید، اظهار داشت: به طور قطع در کنار این انتصابات، افرادی باید در این جایگاه‌ها منصوب شوند، اما ما از ابتدای انقلاب در زمان حضرت امام و به‌ویژه در دوره ۳۷ ساله رهبری معظم، همواره شاهد بودیم که در احکام صادره برای سطوح عالی فرماندهی، به اقتضای شرایط، مطالباتی مطرح می‌شده است که ارتباط تنگاتنگی با وضعیت و اقتضانات داشته است. وی تصریح کرد: این مطالبات به گونه‌ای بوده که مجموعه فرماندهی منصوب، با تمرکز بر این موارد، بتواند ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها را به فعل برساند و پاسخگویی به تهدیدات دشمن و ایجاد بازدارندگی را محقق کند.

معاون سیاسی سپاه با اشاره به محتوای احکام جدید خاطر نشان کرد: وقتی احکام را نگاه می‌کنم، حکمی که به سرلشکر خلبان عبداللهی داده می‌شود، کلیه‌واژه‌هایی در آن دیده می‌شود که به اقتضای شرایط است. همچنین در احکام صادره برای حجت‌الاسلام والمسلمین آقای طائب به

سرپرست وزارت دفاع

ایران زیر بار
حرف زور نمی‌رود

سردار سید مجید بن الرضا در گفت‌وگوی تلفنی با وزیر دفاع مالزی گفت: «ملت ایران هزینه سنگینی برای دفاع از استقلال، امنیت و تمامیت ارضی خود پرداخت کرده است و اجازه نخواهد داد دستاوردهای این مقاومت افتخارآمیز، نادیده گرفته شود.»

«سردار سیدمجید بن الرضا» سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و «داتوسری محمد خالد نورالدین» وزیر دفاع مالزی در گفت‌وگوی تلفنی بر اهمیت تقویت روابط دوجانبه و توسعه همکاری‌های دفاعی و نظامی میان دو کشور تأکید کردند. وی با اشاره به موقعیت جغرافیایی و راهبردی دو کشور در مجاورت تنگه‌های مهم هرمز و مالاکا اظهار کرد: «این موقعیت، ظرفیت

خبر

نوید سلامت

بیمارستان تخصصی «شهیددکتر قاضی» نیروی زمینی سپاه در سنجند، با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین تجهیزات و استانداردهای روز درمانی در آستانه افتتاح قرار گرفت. در بازدید دکتر آزادی، رئیس سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح کردستان از روند آماده‌سازی این مرکز، ظرفیت‌های مدرن آن برای تحول در حوزه بهداشت بررسی شد. پاسدار مهدی نوری، مدیر بیمارستان با اشاره به امکانات به‌روز مجموعه تأکید کرد، ارائه خدمات این مرکز افزون بر خانواده‌های نیروهای مسلح، عموم مردم شریف استان کردستان را نیز شامل می‌شود. راه‌اندازی این بیمارستان تخصصی، گامی کلیدی و برگ زرین دیگری در کارنامه خدمات اجتماعی و مردمی نیروی زمینی سپاه به شمار می‌رود.

سازندگی ادامه دارد

در دل منطقه لالائین تفرش، پروژه‌ای زیست‌محیطی و زیربنایی به همت بسیج سازندگی استان مرکزی و قرارگاه امام حسن مجتبی(ع) در حال اجراست. پروژه گابیون‌بندی این منطقه با بهره‌گیری از سازه‌های سنگی-توری، گامی مؤثر به منظور حفاظت از سرمایه‌های ملی به شمار می‌رود. این دیوارهای مشبک سنگی نه تنها از فرسایش شدید خاک جلوگیری کرده و سیلاب‌های ویرانگر را مهار می‌کنند، بلکه جایگزینی هوشمندانه برای دیوارهای بتنی سنگین هستند. گابیون‌ها افزون بر صرفه اقتصادی بالا و طول عمر مناسب، کمترین آسیب را به زیست‌بوم منطقه وارد می‌کنند و هماهنگی کاملی با طبیعت تفرش دارند.



ممکن است اتفاق بیفتد.

سردار جوانی تصریح کرد: نکته مهم این است که آغازکننده جنگ، دشمن بوده و اقدامات ما در این مسیر جنبه تدافعی دارد، گرچه ممکن است ماهیت تهاجمی نیز به خود پیدا کند و این یکی از رویکردهای تحولی نیروهای مسلح است.

وی گفت: دشمن بداند که نمی‌تواند اقدامات غافلگیرکننده‌ای را علیه ما انجام دهد و ما را دچار غافلگیری کند. وی تأکید کرد: چه بسا او باید منتظر غافلگیری‌های راهبردی باشد؛ این یکی از رویکردهای تحولی است که در احکام جدید فرماندهان به آن اشاره شده است.

سردار جوانی با اشاره به اقدامات نیروهای مسلح برای بازدارندگی و جلوگیری از آغاز جنگ اظهار داشت: مجموعه اقداماتی که انجام می‌دهیم برای این است که جنگ آغاز نشود، اما دشمن با محاسبه غلط و اشتباه محاسباتی، جنگ را در ۲۳ خرداد ۴۰۴ آغاز کرد که به نتیجه نرسید. پس از آن، اقداماتی را در داخل طرحی کرد که باز هم به نتیجه نرسید.

وی افزود: بعد از آن، در جنگ ۱۲ روزه، رژیم صهیونیستی ورود پیدا کرد. اما این را نباید به این معنا گرفت که ما رژیم صهیونیستی را یک نیروی نیابتی برای آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و غرب در منطقه می‌دانیم؛ اینطور نیست که یک کشوری مثل رژیم صهیونیستی در حد و اندازه‌ای باشد که بخواهد وارد جنگ با جمهوری اسلامی شود.

معاون سیاسی سپاه تأکید کرد: حتی در جنگ ۱۲ روزه نیز رژیم صهیونیستی به پشتوانه آمریکا بود که وارد میدان شد.

سخنگوی سپاه

آمریکا یک شناور جنگی هم
در خلیج فارس ندارد

سردار محبی گفت: «آمریکا پیش از جنگ تحمیلی سوم ۳۰ تا ۴۰ شناور جنگی در منطقه داشت، اما امروز حتی یک شناور جنگی آمریکا در خلیج فارس حضور ندارد.»

سخنگوی سپاه با بیان اینکه آمریکا پیش از جنگ رمضان ۳۰ تا ۴۰ شناور جنگی در منطقه داشت، اما امروز حتی یک شناور جنگی آمریکا در خلیج فارس حضور ندارد، گفت: «در صورت وقوع مجدد تهدید علیه ایران، صدها هزار مایل خطوط انتقال انرژی، هزاران نیروگاه و همه سامانه‌های آمریکایی و غیرآمریکایی و حتی زیرساخت‌های جهانی متصل به اینترنت در معرض

تهدید قرار دارند.»

به گفته سردار محبی، دکترین آمریکا بر جنگیدن همزمان در چند جبهه استوار است و کاهش تسلیحات برای این کشور در قلب اقیانوس آرام، در مقابل روسیه و چین و همچنین در جبهه‌هایی که آمریکا آنها را تهدید تلقی می‌کند، تهدید بزرگی است.

حمید حاج اسماعیلی، در گفت‌وگو با صبح صادق

منافع بیمه‌شدگان باید اولویت تأمین اجتماعی باشد

ساحل عباسی

خبرنگار

کارشناس و تحلیلگر بازار کار گفت: «بی‌انگیزگی مردم برای بیمه‌پردازی با توجه به اشکالاتی که در مدیریت سازمان تأمین اجتماعی وجود دارد، سبب می‌شود که این سازمان بیمه‌ای بزرگ در کشور که بیش از نیمی از جمعیت کشور را پوشش می‌دهد، بعد از این دچار چالش‌های جدی‌تری شود؛ هر چند متأسفانه این چالش‌ها در حال حاضر نیز وجود دارد؛ به نحوی که این سازمان برای تأمین منابع اعتباری ماهانه خود نزدیک چهل همت دچار کسری شده است.»

«حمید حاج اسماعیلی» کارشناس و تحلیلگر بازار کار در گفت‌وگو با «صبح صادق» درباره موضوع ضرورت بسترسازی سازمان تأمین اجتماعی برای ایجاد اطمینان در بیمه‌گذاران با عمل به وعده‌های خود و اهداف تعریف شده این سازمان به نکاتی اشاره کرد و گفت: «روش‌های اجرا شده طی یک سال گذشته در سازمان تأمین اجتماعی متأسفانه موجب تحمیل آسیب‌های جدی به این سازمان شده است و عملکرد سازمان تأمین اجتماعی به دلیل مشکلاتی که با آن مواجه است (عمدتاً نین ناشی از کمبود منابع مالی است) موجب بدبینی بیمه‌گذاران و بازنشتگان و مستمری بگیران به این سازمان شده است.»

وی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «بخش زیادی از مشکلات تأمین اجتماعی را که امروز شاهد آن هستیم، باید به سوء مدیریت دهه‌های گذشته، بخشی به تورم پیش از جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی و قسمتی را به وضعیت جنگی کشور نسبت داد. بنابراین عوامل متعددی موجب ایجاد مشکلات تأمین اجتماعی به خصوص در حوزه تأمین منابع اعتباری شده است.»

این کارشناس بازار کار معتقد است: «با اینکه بخشی از چالش‌های کنونی تأمین اجتماعی را می‌توان به مصائب جنگ نسبت داد، اما بنده و بسیاری از کارشناسان امر طی سال‌های گذشته بارها بر این نکته تأکید داشتیم و متذکر شدیم که سازمان تأمین اجتماعی دچار مشکلات ساختاری و مدیریت فنی است. بنابراین عامل اصلی مواجه شدن سازمان تأمین اجتماعی با بحرانی که درگیر و مبتلا به آن شده است، مدیریت فنی موجود طی سال‌های گذشته است.»



حمید حاج اسماعیلی تصریح کرد: «با توجه به این نکته که انتخاب مدیران سازمان تأمین اجتماعی عموماً از طریق روندها و شیوه‌های سیاسی صورت می‌گیرد. بنابراین، بیش از اینکه به منافع بیمه‌شدگان و مدیریت صحیح سازمان تأمین اجتماعی بر اساس رویکردهای فنی توجه شود، معمولاً مدیران این سازمان وارد بازی‌های سیاسی می‌شوند و سعی می‌کنند شرایطی را که به نفع هم‌پیمانان سیاسی خودشان است و نه منافع عموم بیمه‌شدگان تأمین کنند. بنابراین، این نوع مدیریت منجر به بروز مشکلات جدی در سازمان تأمین اجتماعی شده است.»

این تحلیلگر بازار کار و کارگری تأکید کرد: «مشکلات کنونی سازمان تأمین اجتماعی به صورت واضح‌تر از قبل کم و بیش از یک دهه پیش خود را نشان داد؛ اما در آغاز شروع به کار دولت چهاردهم که مشکلات افزایش یافت و بخش قابل توجه این مشکلات در قالب افزایش تورم و سپس جنگ نظامی صورت گرفت، چالش‌های سازمان تأمین اجتماعی بیش از پیش بروز کرد.» حمید حاج اسماعیلی معتقد است: «متأسفانه در حال حاضر همچنان سیاست‌های سازمان تأمین اجتماعی در حوزه اجتماعی کاملاً علیه بیمه‌شدگان و برخلاف منافع ملی انجام می‌شود، یعنی مدیرانی که باید در خدمت بیمه‌پردازان باشند، متأسفانه روند خدمات‌دهی سازمان تأمین اجتماعی را به شدت محدود و کند کرده‌اند و آنچه انجام می‌دهند دقیقاً علیه منافع بیمه‌شدگان است.» وی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «وقتی روند بازنشتستگی کند شود روند خدمات سازمان تأمین اجتماعی در حوزه‌های رفاهی، درمانی و بیمه بیکاری یا ناقص می‌شود یا با تأخیر انجام می‌شود و موانع آن مانع خدمات‌رسانی به بیمه‌شدگان و بیمه‌پردازان و



سایر مشمولان می‌شود؛ بی‌تردید تداوم این روند اعتبار سازمان تأمین اجتماعی را دچار لطمه می‌کند.»

این کارشناس و تحلیلگر بازار کار بیان داشت: «مسئله انتشار لایحه اصلاحی سازمان تأمین اجتماعی که محتوای موضوعات متعدد بود که هم اصلاحات پارامتریک و هم اصلاحات ساختاری را در آن تشدید می‌کرد، متأسفانه موجب یأس و ناامیدی بسیاری از بیمه‌شدگان شده است. بدین معنا که مدیران این سازمان، بدون تفاهم با جامعه کارگری و بیمه‌شدگان، هم سن بازنشتستگی و سابقه بیمه‌پردازی را افزایش دادند؛ ضمن اینکه آیین‌نامه‌های مشاغل سخت و زیان‌آور را نیز دچار تغییراتی کردند، به نحوی که طی ده ماه گذشته کمیته‌های مشاغل سخت و زیان‌آور خدماتی به بیمه‌شدگان ارائه نداده‌اند و روند بازنشتستگی عادی را کند کرده‌اند.»

وی در این باره تصریح کرد: «در پیشنهادهایی که در قالب لایحه منتشر شده است، بدون نظر جامعه کارگری و رعایت منافع کارگران بیمه را مبتنی بر بیمه پایه تعریف کرده‌اند؛ روندی که موجب می‌شود افرادی که به سازمان تأمین اجتماعی و به بیمه‌پردازی به عنوان سرمایه‌گذاری نگاه می‌کردند و گمان داشتند با بیمه‌پردازی و سرمایه‌گذاری در سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند آینده خود را که دوران پیری و سختی است با این روش تضمین و تأمین کنند، امروز دچار تردیدهای جدی شده‌اند، موضوعی که طبیعتاً روی تعداد بیمه‌پردازان تأثیرات منفی خواهد داشت.»

حمید حاج اسماعیلی تأکید داشت: «طبیعتاً بیمه‌پردازان وقتی بین ۳۰ تا ۳۵ سال بیمه پرداخت می‌کنند، توقع و انتظار بجایی دارند که در دوران بازنشتستگی و میانسالی و کهنسالی خودشان از حقوق کافی برای تأمین نیازهای‌شان اعم از

بازار

شماره ۱۲۴۹ | دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵

صداق

یادداشت

ممنوعیت واردات غیر ضرور

رحمان سعادت

کارشناس اقتصادی

یکی از موضوعاتی که دولت و مسئولان لازم است در زمان جنگ به دقت به آن توجه کنند، موضوع ارزیابی است؛ چرا که در هنگامه جنگ نباید ارز پاشی در دستور کار بانک مرکزی یا دولتمردان قرار بگیرد و نیازها و اولویت‌های کشور باید به صورت جدی بررسی شده و در صورت نیاز واقعی ارز مورد نیاز این قبیل کالاها که از آن به «کالای اساسی» یاد می‌شود، تأمین شود.

در این موضوع شک و تردیدی وجود ندارد که بانک مرکزی در وضعیت جنگی باید با احتیاط به سراغ تخصیص ارز برود؛ چرا که پمپاژ دلار در بازار به منظور مدیریت قیمت راهکار درستی نیست. با توجه به اینکه دورنمای مشخصی از پایان جنگ و محاصره دریایی آمریکا وجود ندارد، به جد باید از هر گونه ارز پاشی برای واردات کالاهای غیر ضروری خودداری شود.

برنامه‌ریزی حول محور تخصیص ارز در وضعیت جنگی باید به گونه‌ای باشد که منابع ارزی تنها برای نیازهای اساسی و اصلی کشور، به ویژه در بخش تولید کالاهای اساسی و نیازهای روزمره مردم با نظارت و تشدید نظارت دولت بر گیرندگان ارز تخصیص داده شود.

اولویت‌بندی در تخصیص ارز موضوع بسیار مهمی است. بنابراین، هیچ گونه غفلت و قصوری در این مورد پذیرفتنی نیست. از این رو انتظار می‌رود دولت و بانک مرکزی برنامه‌ریزی دقیقی برای تخصیص ارز و اولویت‌بندی تخصیص ارز در دستور کار قرار دهند تا با سلامت اقتصادی و آسیب نرساندن به معیشت مردم از توطئه اقتصادی دشمن برای مردم شریف ایران عبور کنیم.

مسئولان باید به این موضوع توجه کنند که قرار گرفتن اقتصاد تحت تحریم ایران که تشدید تحریم‌ها در سال‌های گذشته فشار بسیار زیادی بر واردات و تأمین ارزان نهاده‌ها و مواد اولیه مورد نیاز تولید وارد کرده و به تبع آن معیشت مردم و میزان تورم را گران کرده، آسیب‌های دیگری بر اقتصاد ایران وارد می‌کند. بنابراین در وضعیت جنگی که اقتصاد تحت محدودیت‌های بیشتری قرار می‌گیرد، باید با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درست مانع آسیب‌هایی شد که اوضاع را وخیم‌تر از گذشته می‌کند. حمله نظامی دشمن به برخی زیرساخت‌های اصلی و اساسی کشور، مانند شرکت‌های پتروشیمی و فولادی و سایر زیرساخت‌ها به منظور تشدید فشار اقتصادی بر مردم صورت گرفته است. در چنین وضعیتی دولت باید سیاست اقتصادی زمان جنگ را اعلام کند و آن را مبدا تصمیم‌گیری‌ها قرار دهد؛ زیرا در این صورت است که نوع نگاه به مشکلات بازار، نیازها و اولویت‌های تولید مورد نیاز کشور و تأمین انرژی بنگاه‌های مولد متفاوت از زمان عادی می‌شود که کشور درگیر جنگ و محاصره اقتصادی نبود. دولت باید راه‌های برون‌رفت از وضعیت تشدید تحریم اقتصادی و محاصره اقتصادی را با بررسی بهترین پیشنهادها کارشناسان در دستور کار قرار دهد؛ به این دلیل است که به موضوع تاب‌آوری و تخصیص ارز براساس تأمین نیازهای جامعه بسیار تأکید می‌شود.

افزوده

تورم پنهان

گاهی اوقات، دیده‌اید که بسته‌های غذایی یا بهداشتی یا دیگر اقلام، کوچک‌تر یا سبک‌تر شده‌اند؟ به این پدیده اقتصادی «تورم پنهان» می‌گویند. در تورم پنهان، تولیدکنندگان به جای افزایش قیمت رسمی کالا، مقدار، وزن یا کیفیت آن را کاهش می‌دهند تا هزینه‌های افزایش یافته تولید را جبران کنند. این روش نوعی استراتژی روانی است؛ زیرا خریداران معمولاً نسبت به افزایش قیمت حساس‌ترند تا تغییرات کوچک در وزن محصول. شناخت این اصطلاح به شما کمک می‌کند هنگام خرید، تنها به قیمت کالا توجه نکنید؛ بلکه قیمت بر حسب وزن یا واحد را بسنجید تا ارزش واقعی خریدتان مشخص شود.



شاخص

۱۴۲ میلیارد دلار!

به گفته روزنامه صهیونی «هآرتس» جنگ غزه که از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شده، به طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین جنگ تاریخ رژیم صهیونی تبدیل شده و هزینه آن به حدود ۴۲۰ میلیارد دلار معادل ۱۴۲ میلیارد دلار رسیده است؛ هزینه‌ای که در ابتدا چنین برآورد نمی‌شد و رژیم صهیونی توقع مواجهه با چنین رقمی را نداشت. از طرفی هم بدهی ملی رژیم صهیونی حدود ۴۰۰ میلیارد دلار (۱۳۵ میلیارد دلار) افزایش یافته است. این روزنامه نوشت: «رژیم صهیونی در ابتدا انتظار داشت جنگ حدود سه ماه طول بکشد، اما ذخایر مهمات برای جنگی کوتاه‌تر آماده شده بود و مصرف برخی مهمات به دو برابر پیش‌بینی اولیه رسید.»



منهای نفت

سموم کشاورزی

با توجه به گفته «مسعود گیل‌آبادی» رئیس انجمن تولیدکنندگان سموم کشاورزی، سالانه ۳۵ تا ۴۰ هزار تن سموم کشاورزی در کشور مصرف می‌شود. این درحالی است که ایران توان تولید ۴۰۰ هزار تنی کود را دارد که این گواهی بر زیرساخت‌های قدرتمندی است که می‌تواند از تکیه بر درآمدهای نفتی بکاهد. دولت با حمایت خود در تولید این محصول می‌تواند گام بلندی در صادرات این محصول را هم رقم بزند. تسهیل صادرات این محصولات به کشورهای منطقه، نه تنها بستر ارزآوری جدیدی برای کشور می‌گشاید، بلکه چرخ‌های اشتغال‌زایی و رونق اقتصادی را با سرعتی مضاعف به حرکت درمی‌آورد.



سینما و کودتا

گروه فرهنگ

صبح صادق

تاریخ معاصر ایران، به ویژه سده اخیر، مشحون از فراز و نشیب‌های هویت‌ساز و در عین حال صحنه مداخله‌جویی‌ها و جنایات آشکار قدرت‌های استکباری است. در این میان، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نقطه عطفی تاریخی و تلخ به شمار می‌آید؛ رویدادی که نه‌تنها مسیر ملی شدن صنعت نفت و استقلال سیاسی کشور را منقطع کرد، بلکه به منزله سند پررنگ مداخله مستقیم آمریکا و بریتانیا در سرنوشت ملت ایران به ثبت رسید. بازخوانی این جنایت و تبیین ابعاد آن برای نسل‌های امروز و فردا، نه تنها یک یادآوری تاریخی، بلکه نیازی راهبردی در ساحت جهاد تبیین و روایت‌گری فرهنگی است. با این حال، پرسش کلیدی این است که هنر هفتم و سینمای ایران در ادا کردن سهم خود برای این واقعه تاریخی و مواجهه هوشمندانه با جنایات استکبار تا چه اندازه موفق بوده است؟

بررسی کارنامه سینما و تلویزیون ایران نشان می‌دهد، تلاش‌هایی برای پرداختن به این مسئله صورت گرفته است، اما نسبت میان اهمیت و ابعاد عمیق تاریخی واقعه با حجم و کیفیت آثار ساخته شده، همچنان نامتوازن و نابرابر به نظر می‌رسد. نگاهی به مجموعه آثار سینمایی و نمایشی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به جریان ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد و بسترهای سیاسی – اجتماعی آن دوره پرداخته‌اند، می‌تواند تصویری شفاف‌تر از راه طی شده و مسیرهای نرفته پیش روی ما بگذارد.

در یک بازخوانی جامع، آثاری را که در سینما و تلویزیون ایران به این محور توجه داشته‌اند، می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد:

۱- **مواجهه مستقیم کودتای ۲۸ مرداد**
در این گروه، فیلم‌ها و مجموعه‌هایی قرار می‌گیرند که به شکل صریح، مناسبات سیاسی، حوادث دهه ۱۳۳۰ و شخصیت‌های نقش‌آفرین آن برهه را به تصویر کشیده‌اند. اثر مستند-داستانی «عملیات آژاکس» از جمله تلاش‌هایی است که به طور مستقیم طراحی و اجرای کودتا در سازمان‌های جاسوسی غرب را روایت کرده‌اند. همچنین اثر متأخر مسعود جعفری جوزانی، یعنی «بهشت تبهکاران» کوشیده است در قالبی درام-تاریخی، التهابات سیاسی پس از ملی شدن صنعت نفت و دسیسه‌های منجر به کودتا و ترورهای آن دوران را بازسازی کند. در همین مسیر، «خان‌کشی» ساخته مسعود کیمیایی نیز با نگاهی رمانتیک و حماسی، به جریان سرقت از بانک ملی برای کمک به دولت دکتر مصدق و بحران‌های مالی ناشی از تحریم‌های نفتی غرب توجه داشته است. پیشتر نیز در آثار تلویزیونی نظیر «معمای شاه» یا «سرزمین مادری» و آثار سینمایی تاریخی، بخش‌هایی از روند سقوط دولت ملی و حضور عوامل نفوذی روایت شده است.

۲- **کودتا در پس‌زمینه یک درام‌های اجتماعی-تاریخی**
برخی دیگر از آثار، کودتای ۲۸ مرداد و فضای خفقان پس از آن را به منظور بستر اصلی روایت درام خود انتخاب کرده‌اند. فیلم «آشوب» یا سریال‌هایی چون «شهرزاد» و «شب‌دهم» نمونه‌هایی هستند که تأثیرات عمیق این گسست تاریخی را بر زندگی فردی و اجتماعی اقشار گوناگون جامعه، از جمله روشنفکران، هنرمندان و عامه مردم به تصویر کشیده‌اند. سقوط دولت ملی و روی کار آمدن مجدد دیکتاتوری وابسته، نقطه عطفی است که سرنوشت شخصیت‌های درام را تحت تأثیر قرار داده و فضای یأس یا مقاومت پس از کودتا را تداعی می‌کند.

۳- **متمرکز بر تحرکات امنیتی، نفوذ و جاسوسی**
شکل دیگری از پردازش تاریخی، توجه به شبکه‌های جاسوسی بیگانه‌و عوامل داخلی آنان است. اثر سینمایی «آدم‌فروش» و فیلم‌هایی، نظیر «دست شیطان» و «روز شیطان» (اگرچه در فضاها و مقاطع زمانی متفاوتی روایت می‌شوند) در مضمون به مسئله نفوذ، خیانت و کارکرد ایدای و جاسوسان قدرت‌های فراملی توجه داشته‌اند؛ موضوعی که بن‌مایه اصلی اتفاقات مرداد ۱۳۳۲ و سقوط ملی‌شدن نفت بود.

◆ چند چالش

با وجود تولید این آثار، آسیب‌شناسی کارنامه سینمای ایران در پردازش کودتای ۲۸ مرداد چند چالش بنیادین را نمایان می‌کند: نخست، «غربت درام جامع تاریخی» است. با وجود ظرفیت‌های بی‌نظیر تاریخی، سینمای ایران هنوز نتوانسته است یک اثر فاخر، واجد استانداردهای جهانی و در عین حال جذاب برای عموم بسازد که همه زوایای این کودتای بین‌المللی را روایت کند. اغلب آثار تولیدشده یا درگیر جزئیات پراکنده سیاسی شده‌اند و از خلق درام تأثیرگذار بازمانده‌اند، یا کودتا را صرفاً به منزله یک حاشیه و دکور برای داستان‌های عاشقانه و فرعی به کار گرفته‌اند.

دوم، «عدم تبیین دقیق نقش آمریکا و استکبار» است. در بسیاری از روایات سینمایی، بازنمایی واقعه به کشمکش‌های داخلی و جناح‌بندی‌های سیاسی رویکرد دارد و ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی دخالت مستقیم سازمان CIA و M۱۶ کم‌رنگ می‌ماند. این در حالی است که اسناد فاش‌شده از سوی خود ایالات متحده طی سال‌های اخیر، به صراحت به طراحی، تأمین مالی و هدایت میدانی کودتا اعتراف می‌کند. سینمای ملی موظف است لایه‌های پنهان این جنایت استکباری و ضربه‌سنگینی را



که بر تجربه دموکراسی و استقلال ملت ایران وارد شد، شجاعانه و تحلیل‌گرانه بازتاب دهد. سوم، «کم‌توجهی به بازخوانی درس‌های تاریخی برای امروز» است. کودتای ۲۸ مرداد صرفاً یک اتفاق تقویمی مربوط به هفت دهه پیش نیست؛ بلکه الگویی کلاسیک از «جنگ ترکیبی»، «عملیات روانی»، «ایجاد شکاف اجتماعی» و «استفاده از اهرم تحریم و نفوذ» از سوی قدرت‌های سلطه‌گر است. سینمای ما نتوانسته است میان این الگوی تاریخی و مواجهات امروز ملت ایران با استکبار جهانی پیوند مضمونی ایجاد کند.

◆ یک ضرورت ملی

امروز و در مواجهه با جنگ روایتی که دشمنان علیه هویت و تاریخ ملی ما به راه انداخته‌اند، رسالت سینما و سیاست‌گذاران عرصه فرهنگ دوچندان است. سینمای ایران نیاز دارد از رویکردهای منفعلانه، دکوراتیو و سطحی فاصله بگیرد و با اتکا به پژوهش‌های مستند و متقن، نگارش فیلم‌نامه‌های قوی و بهره‌گیری از ابزارهای نوین فیلم‌سازی، به طور غرورآفرین و در عین حال عبرت‌آموز مقاطع حساسی چون ۲۸ مرداد را بازسازی کند.

توجه به سینمای تاریخی استکبارزدایانه، نه یک سفارش اداری، بلکه ضرورتی ملی برای حفظ حافظه جمعی است. پرداختن به جنایات آمریکا و خبیات‌های نظام سلطه در بازداشتن ملت ایران از حق استقلال و پیشرفت، بستر فوق‌العاده‌ای برای خلق اثر هنر متعهد است؛ امری که اگر هنرمندان و سینماگران ما آن را به درستی روایت نکنند، بانیان همان کودتا و رسانه‌های وابسته، آن را به نفع خود تظہیر و تحریف خواهند کرد.

فرهنگ

شماره ۱۲۴۹ | دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵

صداق

یادداشت

ابر قدرت در جعبه گوجه‌فرنگی!



آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ

در ادبیات سیاسی و مطالعات رسانه‌ای، قدرت نرم و ابزارهای تصویرسازی همواره نقشی بسیار تعیین‌کننده و راهبردی در تثبیت یا فروپاشی هیمنه ابرقدرت‌ها ایفا کرده‌اند. آنچه به تازگی در جریان خروج شتاب‌زده، سراسیمه و غیرمنتظره دونالد ترامپ از کشور ترکیه رخ داد یعنی مخفی شدن خفت‌بار در کامیون حمل مواد غذایی و تعویض مخفیانه و پنهانی هواپیما از ترس پاسخ متقابل و انتقام جبهه مقاومت اسلامی-کسستی بس عمیق در روایت ساختگی و هالیوودی «ابر قدرت شکست‌ناپذیر» و لحنطهای ماندگار و تاریخی از عریان شدن ترس واقعی در لایه‌های معتبرنمای قدرت استکباری به حساب می‌آید. انتشار این خبر، موجی از واکنش‌های طنزآمیز، کاریکاتورها، ویدئوهای لگویی و حتی برنامه‌های کمدی و نمایش‌های تلویزیونی را در رسانه‌های غربی و آمریکایی به راه انداخت؛ اما این رخداد فوق‌العاده نباید صرفاً در سطح خنده‌های زودگذر شبکه‌های اجتماعی، لبخندهای مقطعی کاربران یا هجوهای سطحی باقی بماند. هیچ سوزهای برای یک هنرمند هوشمند و هوشیار کارآمدتر از رویه‌رو کردن شعارهای حماسی، تهدیدهای نظامی و ژست‌های قلدرمآبانه دشمن با واقعیت موش‌دوانی او در میان جعبه‌های گوجه فرنگی، خیار و همبرگر نیست. این تضاد آشکار، بزرگ‌ترین خمیرمایه برای رسوا کردن ادعاهای توخالی استکبار جهانی است. هنرمندان عرصه‌های گوناگون می‌توانند از زوایای متفاوت و خلاقانه‌ای به این واقعیت کمدی-سیاسی توجه کنند. در عرصه سینما و کمدی موقعیت، سینماگران می‌توانند با به‌کارگیری تکنیک تضادروایی، صدای سخنرانی‌های پرادعا و تهدیدهای هالیوودی ترامپ را روی تصاویر سینه‌خیز رفتن او میان بار گوجه‌فرنگی و جعبه‌های مواد غذایی صداگذاری کنند. همچنین روایت داستانی از زاویه دید یک راننده ساده و بی‌خبر ترکیه‌ای که ناگهان متوجه می‌شود رئیس‌جمهور آمریکا پشت کامیونش پنهان شده و با اضطراب التماس فرار دارد، ظرفیت ساخت یک کمدی موقعیت درخشان و پرفروش در سطح بین‌المللی را دارد.

در حوزه سریال‌سازی و درام‌های افشاگرانه نیز می‌توان فضای پشت پرده اتاق‌های تصمیم‌گیری، کاخ سفید و جلسات اضطراری سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا را به تصویر کشید. این پرداخت داستانی، پوچی، شکنندگی و اضمحلال ساختار امنیتی ادعایی غرب را به بهترین شکل ممکن به‌رخ مخاطبان می‌کشد.

از سوی دیگر، رمان‌نویسان و نویسندگان ادبیات داستانی با ورود به ذهن شخصیت در آن چند ساعت تاریک و خفه درون کامیون غذا، می‌توانند مونولوگ‌های درونی و روان‌شناختی کسی را روایت کنند که خود را مالک و حاکم جهان می‌دانست، اما اکنون با هر تکان شدید کامیون از ترس پاسخ ایران و جبهه مقاومت به لرزه می‌افتد و از شدت اضطراب با یک گوجه‌فرنگی درد دل می‌کند! این تضاد روان‌شناختی و درونی، تحقیر استکبار را از یک شوخی ساده و سطحی به یک تحلیل عمیق، انسانی و ماندگار تاریخی ارتقاعی دهد.

در نهایت، هنرمندان متعهد باید به این باور برسند که زبان طنز، کنایه و روایت هنری، کاری‌ترین ابزار برای شکستن هیمنه دروغین و هیولای خیالی دشمن است.

صداقت

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
مدیرمسئول:یدالله جوانی
سرمدیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:
سیامک باقری،سعدالله زارعی،
عزیز غضنفری، مهدی سعیدی،فتح الله پریشان،
علی قاسمی، حسین عبداللہی فر،رضاصارمی راد
دبیرتحریریه:سیدفخرالدین موسوی
مدیرفنی: محمد صالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه آرآ:علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶
تلفن: ۰۱۱۰ و ۰۱۰۰ ۷۷۴۶۰۱۰۰
basirat.ir
@sobhesadegh_fa
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۰۲۳ ۳۰۰۰۹۹۰۰

شماره ۱۲۴۹ | دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵

آیه

راه‌های رستگاری در دنیا

ایمان معینی

کارشناس مذهبی

خداوند متعال در قرآن کریم، رستگاری و سعادت حقیقی را در گرو راهی روشن و استوار قرار داده است. راهی که آغازش ایمان و ادام‌اش عمل صالح است. این دو، چنان به‌هم پیوسته و در هم تنیده‌اند که قرآن آن‌دو را همواره در کنار یکدیگر ذکر می‌کند تا نشان دهد نه ایمان بدون عمل و نه عمل بدون ایمان، به‌تنهایی انسان را به مقصد نهایی – که همانا رضایت خداوند و بهشت جاویدان است – نمی‌رساند. قدم نهادن در این راه و حرکت به‌سوی این سر منزل، خود به شناخت دقیق‌تر مسیر نیاز دارد. قرآن برای این سفر روحانی و عملی، شاخصه‌هایی را مشخص کرده است که کلیدهای ورود به وادی سعادت به شمار می‌آیند. خداوند این اصول را در آیه ۶۲ سوره بقره به زیبایی تبیین کرده و فرموده است: «کسانی که به خداوند، روز قیامت و آخرت ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین خواهند شد.» این سه اصل، یعنی ایمان به خدا، باور به معاد و روز جزا و انجام عمل صالح، رکن اساسی برنامه «سعادت» در قرآن است. ایمان به خداوند به‌معنای باور به خالق یکتایی است که جهان را با نظم و حکمت آفریده و انسان را برای هدفی والا به‌وجود آورده است. باور به روز قیامت نیز انسان را از غفلت و سرگرمی صرف به امور مادی بیرون آورده و به او یادآوری می‌کند که هر عملی، پاداش یا کیفری متناسب دارد و آخرت، سرای حقیقی و جاویدان حیات است که ارزش تلاش را دارد. این باور، انگیزه‌ای بزرگ برای پرهیز از گناه و روی آوردن به نیکی هاست، چرا که انسان می‌داند در محضر خدایی حکیم و دادگر قرار دارد.

با این حال، عمل صالح به منزله عنصر عملیاتی این سفر، تنها به انجام عبادات فردی خلاصه نمی‌شود. قرآن کریم مصادیق وسیعی برای آن برمی‌شمارد؛ از اقامه نماز با خشوع و حضور قلب و پرداخت زکات برای پاکسازی مال و کمک به دیگران، تا وفای به عهد و پیمان، حفظ زبان از بیهودگی و سخنان ناشایست و نیز عفت و پاکدامنی. اگر این اعمال با نیت خالصانه برای خدا انجام شود، ثمرات آن نه تنها در آخرت، که در همین دنیا نیز نصیب انسان می‌شود و زندگی پاکیزه و سعادتمندی را برای او به ارمغان می‌آورد.

صبحانه

رنج امروز و امید فردا

مسیر دشوار و تلاش‌های شبانه‌روزی امروز، حتی در اوج اندوه و دل‌نگرانی، بی‌سرانجام نخواهد ماند؛ چراکه به گواهی همه موفقیت‌های تاریخ، خنده سرسبز جنگل‌ها و دام‌دار گریه بی‌وقفه ابرهای تیره و تار است.

منبر

او آمده که شما را آزاد کند

گفتاری از آیت‌الله‌العظمی جواد آملی



خودمان بر سیره و سنت آن حضرت.

خداوند بخشی از برنامه‌های رسول گرامی(ص) را در پایان سوره مبارکه «اعراف» بیان کرد. فرمود او آمده که شما را آزاد کند، او آمده تا این قیود و زنجیرهایی را که با آنها دست و پای خودتان را بستید، باز کند؛ برخی از زنجیرها را شما با دست خودتان

مکتب

ذلت در دوری از «حق» قطعی است

می‌کنند. گاهی انسان حقیقتی را به دلیل غرور، منفعت‌طلبی، تعصب یا دل‌بستگی به خواسته‌های شخصی انکار می‌کند؛ اما گذشت زمان نشان می‌دهد که واقعیت با میل و خواسته او تغییر نکرده است. حقیقت، مستقل از پذیرش یا انکار ما وجود دارد و دیر یا زود آثار خود را آشکار می‌کند. در همین زمینه، امام حسن عسکری(ع) می‌فرماید: «هیچ صاحب مقام و عزیزی حق و حقیقت را ترک نکرد مگر اینکه ذلیل و خوار شد و هیچ شخص ذلیلی حق را به اجرا درنیاورد مگر اینکه عزیز و سر بلند شد.» (تحف العقول، ص ۴۸۹) این سخن نشان می‌دهد عزت واقعی انسان نه به مقام، ثروت، قدرت، شهرت و جایگاه اجتماعی او، بلکه به نوع رابطه‌اش با حق وابسته است. هرکس هنگامی که حقیقت را به دلیل منافع خود کنار می‌گذارد، در واقع پایه‌های عزت خویش را از بین می‌برد. پذیرفتن حق، زمانی ارزش بیشتری پیدا می‌کند که حق با خواسته‌ها و منافع شخصی ما سازگار نباشد. اگر انسان تنها آن چیزی را «حق» بداند که به نفع اوست، در حقیقت تابع حق نیست، بلکه تابع خواسته‌های خویش است. معیار حق باید بیرون از تمایلات شخصی ما قرار داشته باشد. انسان مؤمن و حقیقت‌جو کسی است که وقتی با واقعیتی روبه‌رو می‌شود، حتی اگر پذیرش آن برایش دشوار باشد، در برابر آن موضعی متواضعانه بگیرد. این تواضع به‌معنای ضعف نیست؛ بلکه نشانه قدرت روحی و عقلانی انسان است. کسی که می‌تواند اشتباه خود را بپذیرد، از نظر اخلاقی و فکری قدرتمندتر از کسی است که برای حفظ غرور خود بر اشتباهش پافشاری می‌کند.

سیدحسین

خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



انسان اگر در جست‌وجوی حق و حقیقت نباشد، نمی‌تواند حتی برای لحظه‌ای به آرامش و آسودگی واقعی دست پیدا کند. زندگی انسان بر پایه شناخت واقعیت‌ها و پذیرفتن آنها شکل می‌گیرد و هر چیزی که به انسان توان ادامه دادن، تصمیم گرفتن و حرکت کردن می‌دهد، به نوعی با «حق» ارتباط پیدا می‌کند. حق چیزی جز واقعیت مطابق با آنچه هست نیست؛ بنابراین، وقتی از حق سخن می‌گوییم، در حقیقت از واقعیت سخن می‌گوییم. اگر انسان اصل واقعیت را انکار کند، دیگر هیچ معیار قابل اعتمادی برای شناخت، انتخاب و عمل نخواهد داشت. حتی کسی که ادعا می‌کند «هیچ حقیقتی وجود ندارد»؛ ناچار است در زندگی، بسیاری از واقعیت‌ها را بپذیرد؛ از واقعیت گرسنگی و تشنگی گرفته تا واقعیت آثار رفتارهای درست و نادرست؛ بنابراین، پذیرش حق تنها یک مسئله نظری و فلسفی نیست، بلکه ضرورتی برای ادامه صحیح و مدام زندگی است.

اما پرسش مهم این است که چرا باید حق را بپذیریم و واقعیت‌ها را همان‌گونه که هستند قبول کنیم؟ از کجا به‌فهمیم چیزی حق بوده و ما آن را نپذیرفته‌ایم؟ اگر بخواهیم پاسخ این پرسش را در کوتاه‌ترین شکل بیان کنیم، می‌توان گفت: «نتیجه و پیامدهای نپذیرفتن حق، خود می‌تواند ضرورت پذیرش حق را برای انسان آشکار کند.» بسیاری از انسان‌ها زمانی متوجه اشتباه خود می‌شوند که آثار تصمیم نادرست‌شان را مشاهده

صادقانه

در مذمت تنبلی

امام باقر(علیه‌السلام): من مردی را که در کار دنیایش تنبل باشد میغوض می‌دارم. کسی که در کار دنیا تنبل باشد، در کار آخرتش تنبل‌تر است.

(وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۷)

غیر رسمی

نگاه انسانی و تمدنی

رهبر شهید انقلاب هیچ‌گاه به افغانستان نگاه صرفاً سیاسی یا ابزاری نداشتند؛ ایشان با شناختی عمیق از تاریخ، فرهنگ و زبان فارسی، همواره از مردم و مهاجران افغانستان حمایت کردند و همین نگاه انسانی و همدلانه، محبوبیت گسترده‌ای برای ایشان در میان مردم افغانستان ایجاد کرد. حقیقتش را بخواهید، نگاه رهبر شهید انقلاب به ادبیات نیز، نگاهی جامع و عمیق بود؛ نگاهی که نشان می‌داد ایشان تاریخ شعر فارسی، سبک‌های مختلف و ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه آن را به‌خوبی می‌شناختند. به همین دلیل هم با شعر کاملاً حرفه‌ای برخورد می‌کردند. ایشان معتقد بودند شعر می‌تواند در فرهنگ‌سازی، هویت‌بخشی و هدایت جامعه نقش آفرین باشد.

آشنایی ایشان با افغانستان به سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی باز می‌گشت. در آن زمان در حوزه علمیه مشهد تدریس می‌کردند و حوزه مشهد نیز ارتباط گسترده‌ای با طلاب افغانستانی داشت. بسیاری از طلاب مستعد افغانستان از شاگردان ایشان بودند و همین ارتباط نزدیک باعث شده بود شناخت دقیقی از مردم، تاریخ، فرهنگ و شرایط افغانستان داشته باشند.

از همان سال‌هایی که افغانستان درگیر جهاد و مبارزه بود، ایشان از مردم این کشور حمایت می‌کردند. این حمایت‌ها در خاطرات بسیاری از مبارزان افغانستانی ثبت شده است.

سیدابوطالب مظفری
شاعر افغانستانی

حسن ختام

مروم دل‌های سوخته

آقا جان در این روزها که آسمان از همگامی با غم تو به زانو درآمده و جهان، چادر سیاه ماتم بر سر کشیده است. چگونه تاب می‌آوری این حجم از اندوه را، وقتی قلب نازنینت در عزای پدر، سنگینی داغی تازه را به دوش می‌کشد؟ پدر بزرگوارتان با زهر جفا پر کشید و تو در میان اشک و آه، با دلی شکسته و چشمانی بارانی، تنهای تنها بر سجاده غم نشسته‌ای. مولاجان، یا صاحب‌الزمان! تسلیت ما را بپذیر که ما هم همچون شما در این غم بزرگ داغداریم. ما هم یتیم شدیم . شیعیات هم‌نوا با ناله‌های مادرمان حضرت زهرا(س)، خون جگر از دیده می‌بارند و در این یتیمی بزرگ، تنها به تو پناه می‌آورند. ای ماه پشت ابر! تا کی در پس پرده غیبت سوز دل سر دهیم و دست تمنا به سوی آسمان دراز کنیم؟ غم بی‌کسی ما را فرا گرفته است. بیا و با دستی از جنس روشنایی، مرهمی بر دل‌های سوخته‌مان بگذارد.